

تجربہ

فرہنگِ نوین کشفیہ

بہمن دھگان



فرهنگِ نوینِ گفته‌ها

کتاب بهار ۷۰

فرهنگ‌ها ۹

فرهنگِ نوینِ گفته‌ها

بهمن دهگان

تیموب

تهران ۱۴۰۱

فرهنگ نوین گفته‌ها

بهمن دهگان

چاپ اول ۱۴۰۱

شمارگان ۳۳۰

ویراستار فنی: سیاوش فراهانی

صفحه‌آرا: مریم درخشان گلریز

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

سرشناسه: دهگان، بهمن، ۱۳۳۰ -

Dehgan, Bahman

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ نوین گفته‌ها / بهمن دهگان

مشخصات نشر: تهران: کتاب بهار، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: هجده، ۵۴۶ ص.

فروست: کتاب بهار، ۱۷۰؛ فرهنگ‌ها، ۹.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۳۶-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: کلمات قصار... واژه‌نامه‌ها

موضوع: Quotations--Dictionaries

رده‌بندی کنگره: PN۶۰۸۱

رده‌بندی دیویی: ۰۸۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۰۹۲۴۵

فروش اینترنتی: www.ketabebahar.com

فروشگاه: انتشارات آگاه، خیابان انقلاب، شماره ۱۳۴۰، تلفن: ۰۶۶۴۶۷۳۲۳، www.agahbookshop.com

مراکز پخش: پیام امروز (۳۵ ۴۸۶۵)، صدای معاصر (۸۲ ۹۷۸۵ ۶۶)

۳۵۰ هزار تومان

فهرست

هفت

نه

۱

۴۴۵

پیشگفتار

نمایه موضوعی

فرهنگِ نوینِ گفته‌ها

مآخذ

پیشگفتار

از اواخر دهه ۱۳۶۰، هر جا که حین مطالعه کتاب و مقاله‌ای، یا دیدن فیلمی، به گفته نغز و جمله جالبی برمی‌خوردم آن را یادداشت می‌کردم. این یادداشت‌ها گاهی با ذکر مأخذ بود و گاهی بدون منبع، زمانی همراه می‌شد با ثبت تاریخ نگارش یا چاپ مطلب، و دوره‌ای بدون آن. چندین سال پیش بر آن شدم که یادداشت‌ها را به صورت مجموعه‌ای منظم و مرتب کنم. پس کار را به‌جد آغاز کردم. هم‌زمان از ضبط گفته‌های نو و تازه‌یاب هم غافل نبودم، و این بار با دقت و توجه در مورد ذکر مأخذ (اگر وجود داشت). در این مرحله، افزون بر استفاده از تعداد فراوان منابع چاپی، بهره‌گیری گسترده از اینترنت به غنای مجموعه یاری شایانی کرد.

عنوان مجموعه حاضر، «فرهنگ نوین گفته‌ها»، اشاره به این دارد که بیش از دو سوم مطالب از گویندگان صد سال گذشته است. آن‌هایی که متعلق به سده‌های پیشین است گلچینی است از آن‌چه خوانندگان کم‌تر شنیده و خوانده‌اند، و بنابراین نوعی تازگی و زیبایی بیان و ژرفای معنا در آن‌ها وجود دارد. شاید بتوان ادعا کرد این اثر یکی از پربارترین و کامل‌ترین مجموعه‌هاست به زبان فارسی از نغزترین گفته‌های ایرانیان و گویندگان خارجی.

فرهنگی که در دست دارید دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. جامعیت و گستردگی موضوعات: ایران، ادبیات، هنر، اقتصاد، سیاست، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، دین، تاریخ، مسائل عصر جدید و بسیاری دیگر (حدود ۵۵۰ عنوان)؛
۲. دقت در گزینش گفته‌ها با توجه به معیارهایی چون: کوتاه و موجز بودن، غنای معنا، زیبایی بیان، تازگی و طراوت؛
۳. توجه و نظر به رخدادهای موضوعات جدید، مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، جهانی شدن، تروریسم و ویروس کرونا؛

۴. برای نخستین بار شمار فراوان گفته‌های ایرانیان؛

۵. ذکر مأخذ تا آن‌جا که مقدور یا در دسترس بوده است؛

۶. ثبت تاریخ زمان نگارش در مورد برخی گفته‌ها؛
۷. تنظیم القابیی گفته‌ها براساس عنوان موضوعات و نام گویندگان؛
۸. ارجاعات برای یافتن سریع و آسان موضوعات مرتبط؛
۹. ضبط صحیح نام گویندگان و شکل درست گفته‌ها در مواردی که ابهام و ناروشنی وجود داشته است.

نکات دیگری که خوانندگان توجه داشته باشند:

در مورد ثبت درست و دقیق گفته‌ها و نام گویندگان، اگر در بخش مآخذ پایان کتاب، منبع نقل قول دیده می‌شود و آن مآخذ مستقیم و دست اول است، می‌توانیم در این باره مطمئن باشیم. اگر منبع غیرمستقیم و دست دوم است، اطمینان نسبی وجود دارد. اگر گفته‌ای بدون مآخذ است با احتیاط بیش‌تر، و اگر جمله‌ای با واژه «منسوب» مشخص شده است با احتیاط بسیار بیش‌تر. کلمه «ناشناس» بیانگر این است که یا گوینده معلوم نیست، یا اینکه منابع گوناگون دو یا چند نفر را به‌عنوان گوینده معرفی کرده‌اند. گاهی دو ترجمه فارسی از منبع خارجی وجود دارد که در مواردی از هر دو ترجمه استفاده شده است. ترجمه کتاب‌ها با واژه «ترجمه» و ترجمه مقالات با «برگردان» مشخص شده است. ثبت نام گویندگان یکسان و یکدست شده است. ضبط پاره‌ای از جملات به شکل گفتاری (محاوره‌ای) بوده است. این امر بدین خاطر است که هم وفاداری به متن اصلی حفظ شده باشد و هم خواننده متوجه باشد که آن گفته نقل قولی است از داستان یا نمایش نامه یا فیلم، و نه لزوماً نظر نویسنده. القاب و عناوین گویندگان، مانند دکتر، مهندس، پروفیسور، و استاد، حذف شده است. و چنین است حذف واژه‌های ناشر / انتشارات / نشر. در این مورد تنها به ذکر نام خاص هر ناشر اکتفا شده است. هدف و تلاش این بوده که گفته‌ها کم‌وبیش «توازن و یکدستی» داشته باشد. ممکن است برخی از آن‌ها کهنه، بدیهی یا «به‌دردنخور» به نظر آید. گردآورنده سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که در این زمینه تذکر دهند (این نقل قول‌ها در چاپ احتمالی بعدی حذف خواهد شد)؛ و نیز او مرهون علاقه‌مندانی خواهد بود که آگاهی دهند در مورد گفته‌های خوبی که جایشان در این فرهنگ خالی است. بدیهی است هرگونه پیشنهاد و نظر و انتقادی بررسی خواهد شد. ارجاعات به چاپ اول کتاب‌هاست. اگر تغییراتی در ویراست بعدی صورت گرفته باشد اشاره به تاریخ ویراست تازه است. تاریخ پس از نام گوینده، مربوط به یکی از این‌هاست: زمان نگارش / تاریخ چاپ / سال ایراد سخنرانی / تاریخ ساخت فیلم / سال اجرای نمایش نامه. در مورد فیلم‌ها اگر کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس یک نفر است اسم گوینده و اگر دو نفرند عنوان فیلم نام گوینده است. عنوان مقاله‌ها در گیومه آمده است. در موارد ضروری توضیح کوتاهی پس از نام گوینده داده شده که به فهم بهتر گفته کمک می‌کند. این نشانه (/) برای جدا کردن بند یا مصرع شعر به کار رفته است، (ج) به معنای جلد، و، (ش) شماره است.

نمایه موضوعی

آبستی	آگاهی ← آگاه شدن	اتومبیل	اروپا
آخر ← پایان	آلمان	احتیاط	اروپای شرقی ← بلوک
آداب و رسوم	آمار	احساس	شرق
آدم خوب	آمریکا	احساس: و عقل	از دست دادن چیزی
آدم ساده ← ساده دلی	آمریکا: ریاست جمهوری	احساسات ← احساس	ازدواج
آدم کامل ← کمال	آمریکای جنوبی	احمق ← حماقت	اسپانیا
آرامش	آموختن ← آموزش	اخبار	استاد ← معلم
آرزو	آموزش	اختیار	استالین
آرمان	آموزش و پرورش ← تعلیم	اخلاق	استبداد ← دیکتاتوری
آری	و تربیت	اخلاق مدنی	استدلال
آزادی (انسان)	آموزگار ← معلم	ادا	استرس
آزادی (سیاست)	آواره	ادارات	استعاره
آزادی: و عدالت	آینده	ادب	استعداد
آزار	آینه	ادبیات	اسرار ← راز
آسمان	آیین	ادبیات: شاهکار، کلاسیک	اسطوره
آشپزی		ادبیات: و سیاست	اسلحه ← تفنگ
آشکار ← مخفیانه	ابتذال	اراده	اسم ← نام
آشنایی	ابدیت	اریاب	اشتباه
آغاز ← پایان	اتاق	ارتباط انسانی ← روابط	آشراف
آغوش	اتحادیه اروپا	انسانی	اشک ← گریه
آفتاب ← خورشید	اتفاق	ارتش ← نظامیان	اشیاء
آفرینندگی	اتفاق افتادن ← اتفاق	اردوگاه مرگ	اصالت
آگاه شدن	اتلاف وقت	ارزش (انسان)	اصلاحات، اصلاح طلبی

اضطراب	انتخابات	ایدئولوژی	برابری
اطاعت	انتظار	ایران: ادبیات	برازندگی
اطرافیان	انتقاد	ایران: اصفهان	بُرج — خانه
اطلاعات	انتقام	ایران: تهران	برحق بودن — حق داشتن
اطمینان — اعتماد	اندوه — غم	ایران: زبان فارسی	بردباری
اعتدال	اندیشه	ایران: زنان	بردگی — اویاب
اعتراف	اندیشمند	ایرلند	برده — اویاب
اعتقاد	انزوا	ایستادگی — مقاومت	برده‌داری
اعتماد	انسان	ایمان	برف
اعتماد به نفس	انسان امروز — مدرنیته	اینترنت	برنده
اعتیاد	انسان بزرگ — بزرگی		بزرگسالی
اعداد	انسان: تفاوت با حیوان	باران	بزرگ شدن
اعمال — رفتار	انسان خوب — آدم خوب	بازاریابی	بزرگ کردن — تربیت
افراط‌گرایی	انسان سالم	بازنده — برنده	بزرگی
افسردگی	انسان شریف — شرافت	بازنشستگی	بطالت
افغانستان	انسان‌شناسی	بازیگر (سینما)	بعید بودن
افکار عمومی	انسان عصر ما — مدرنیته	باستان‌شناس	بقا
اقتصاد	انسان کامل — کمال	باطل — حق	بلا
اقتصاد: تورم	انسان کم‌مایه	باغ	بلوغ — پختگی
اقتصاد: مالیات	انسان‌گرایی	باغبان — باغ	بلوف
اقتصاددان — اقتصاد	انسان مدرن — مدرنیته	بالا	بلوک شرق
اقلیت — اکثریت	انسان معاصر — مدرنیته	باور — اعتقاد	بمب اتمی
اکتشافات فضایی	انسانیت	باهوش — هوش	بن‌بست
اکثریت	انصاف	بت	بنیادگرایی
اکنون — امروز	انقلاب	بچه	بودا
الآن — امروز	انگلستان	بچه‌دار شدن	بودن — هستی
الهام	انگلیسی (زبان)	بحث	بودیسم — بودا
الهیات	انگیزه	بحران	بورژوازی
امروز	اوتوپیا — آرمان	بخشش (۱)	بوسه
امروزه — مدرنیته	اوقات فراغت	بخشش (۲)	بهار
امریکا — آمریکا	اولین	بدبینی — خوش‌بینی	بهتر، بهترین
امنیت ملی	اهمیت	بدبختی	به دست آوردن
امور معنوی — معنویت	ایتالیا	بدن	به دنیا آمدن — تولد
امید	ایده	بدی	بهشت
انتخاب	ایدئال — آرمان	بدی: انتخاب بین بد و بدتر	به یاد کسی بودن

بیابان	پشیمانی	تحریر ← حیرت	تقوا
بی اعتنائی ← بی تفاوتی	پل	تخیل	تقویم
بی تفاوتی	پلیس	تدفین	تکرار
بیداری ← خواب	پناهندگی	تراژدی	تکنولوژی
بیست سالگی	پنجاه سالگی	ترانه	تلاش
بی سواد ← سواد	پنجره	تربیت بچه	تلخی
بیشترین	پوپولیسم	ترجمه	تلفن
بی شعوری	پوچی	ترجم	تلف کردن وقت ← اتلاف وقت
بی صبری ← صبر	پول	تردید ← شک	تلف
بی عدالتی ← عدالت	پولدار ← ثروتمند	ترس	تلویزیون
بی عقل، بی عقلی ← عقل	پهلوان	ترک کردن چیزی	تمام کردن ← پایان
بی کاری	پیاده رو	ترک کردن کسی	تعمید ← تحسین
بیمار	پیاده روی	ترکیه	تمدن
بیماری ← بیمار	پیروزی	تروریسم	تمدن امروزی ← مدرنیته
	پیری	تساهل ← مدارا	تمدن مدرن ← مدرنیته
پا	پیش داوری	تسلّی ← سوگواری	تملق ← چاپلوسی
پارسائی ← تقوا	پیشوا	تسلیم شدن	تن
پاسخ ← پرسش		تصمیم	تبلی
پاکی	تابستان	تصور	تبیّه
پایان	تابو	تصویر	تنهایی
پاییز	تاخیر	تصویرگر	توانایی
پختگی	تاریخ	تظاهر	توانایی روحی
پدر	تاریخ مدرن ← مدرنیته	تعارف	توانستن ← توانایی
پدر و مادر	تاریخ نگار ← مورخ	تعریف	توانمند ← قوی
پرستیدن ← بت	تاریکی	تعریف ← تحسین	توانالتاریسم
پرسش	تاکسی	تعصب	توده
پرسه زدن	تبعید	تعلق	توطئه
پرواز	تبلیغات (تجاری)	تعلیم و تربیت	توفان
پروتستانیزم ← مسیحیت	تبلیغات (سیاسی)	تغییر (انسان)	توقع
پرولتاریا ← طبقه کارگر	تجدد ← مدرنیته	تغییر (جامعه)	تولد (انسان)
پزشک	تجربه	تفریح	تولید مثل ← بچه دار شدن
پژوهش	تحسین	تفکر ← اندیشه	توهم
پسامدرنیسم ← مدرنیته	تحصیلات	تفنگ	تاثیر
پسر	تحقیر	تقدس ← قداست	تیره بختی ← بدبختی
پشت سر کسی حرف زدن	تحمل	تقدیر ← سرنوشت	تیمارستان
		تقصیر	تئوری ← نظریه

ثروت ← پول	جنگ داخلی	حرف، حرف زدن ← گفتن	خدایان
ثروتمند	جنگ سرد	حرمت	خرافات
جا	جنگل	حزب	خرد ← عقل
جادو	جنگ ویتنام	حسادت	خروس
جامعه	جنون ← دیوانگی	حضور ← غیبت	خرید، خریدن ← مصرف
جامعه: طبقه	جوانی	حق	خستگی
جامعه‌شناسی	جوانی: و پیری	حق با کسی بودن ← حق	خشم
جامعه‌مدرن ← مدرنیته	جهالت ← جهل	داشتن	خشونت
جامعه‌مدنی	جهان	حق داشتن	خطا ← اشتباه
جامعه‌معاصر ← مدرنیته	جهان امروز ← مدرنیته	حقوق بشر	خطر
جانی ← جنایت	جهان سوم	حقوق‌دان	خلافت
جاودانگی	جهان مدرن ← مدرنیته	حقه‌باز ← کلاه‌بردار	خلوت
جاه‌طلبی	جهانی شدن	حقیقت	خندانند
جایزه	جهل	حکمت	خنده ← خندیدن
جبار، جبارست ←	جهنم	حکمرانی ← حکومت	خندیدن
دیکتاتوری	چاپلوسی	حکومت	خواب
جبران کردن	چای	حماسه	خواستن
جدایی	چپ (سیاست)	حمافت	خواندن ← کتاب
جدی ← شوخی	چتر	حوادث ← اتفاق	خواننده (کتاب)
جذابیت	چرا	حیرت	خویی
جرم	چریک	حیوان	خود
جرت ← شجاعت	چشم	خاطرات ← خاطره	خودآگاهی
جزئیات	چوپان، چوپانی	خاطره	خودبزرگ‌بینی
جسارت ← شجاعت	چهره	خاکسپاری ← تدفین	خودستایی
جسم ← روح	چهل سالگی	خالی	خودشناسی ← شناخت
جمع	چیزها ← اشیاء	خاموشی ← سکوت	خود
جمعه	چیزهای کوچک	خانقاه	خودشیفتگی
جنایت	حافظ (شمس‌الدین محمد)	خانواده	خودفربی
جنایتکار ← جنایت	حافظه	خانه	خودکشی
جنگ	حاکم	خاورمیانه	خودنمایی
جنگ: و سیاست	حال ← امروز	خبر ← اخبار	خودپایی
جنگجو	حدس زدن	خبرنگار	خوراک، خوردن ← غذا
جنگ جهانی		خدا	خورشید
جنگ جهانی اول		خدا حافظی	خوشبختی

خوش بینی	دروغ	دیار ← سرزمین	رقابت
خوشحالی ← شادی	درون (انسان)	دیلماسی	رقص
خوشی	درویش	دیدن ← چشم	رمان
خوشتنداری	دریا	دیروز ← گذشته	رمان پلیسی ← داستان
خیابان	دزد، دزدی	دیکتاتوری	جنایی
خیال ← تخیل	دست‌ها	دیگران	رمانتیک‌گرایی
خیال‌بافی ← تخیل	دشمن، دشمنی	دین	رمان جنایی ← داستان
خیال‌پردازی ← تخیل	دشنام ← فحش	دین: و علم	جنایی
خیانت (به دیگران)	دعا	دیوار	رنج
خیانت (به کشور)	دعوا	دیوارنویسی	رنجش
خیر ← خوبی	دل ← قلب	دیوانگی	روابط انسانی
خیرخواهی ← خوبی	دل‌بستگی ← وابستگی	ذهن	روابط بین‌الملل
	دل‌تنگی		روان
دادن	دلخوشی		روان‌درمانی
دارو ← بیمار	دلسوزی	رابطه انسانی ← روابط	روان‌رنج‌سوزی ←
داستان	دل‌فک	انسانی	روان‌نژندی
داستان پلیسی ← داستان	دل‌گرمی	رادی‌کالیسم ← اصلاحات	روان‌شناسی
جنایی	دل‌وایی ← اضطراب	راز	روان‌کاوی ← روان‌درمانی
داستان جنایی	دل‌هر ← اضطراب	راست ← دروغ	روان‌نژندی
داستان کوتاه	دلیل	راست (سیاست) ← چپ	روایات ← هوش مصنوعی
داستان‌نویس ← داستان	دموکراسی	راه	روح
داستان‌نویسی ← داستان	دنیا ← جهان	راهبه	روح بزرگ
داشتن	دنیای امروز ← مدرنیته	راه رفتن	روز ← شب
دانایی	دنیای جدید ← مدرنیته	رأی دادن ← انتخابات	روزنامه نگار، روزنامه‌نگاری
دانستن ← دانایی	دنیای ما ← مدرنیته	رسالت	روزها
دانش ← علم	دنیای مدرن ← مدرنیته	رسانه	روزهای هفته
دانش آموز ← معلم	دور	رستگاری	روسیه
دانشگاه	دوران ← عصر	رشد ← پختگی	روشنایی ← تاریکی
دانشمند	دوران ما ← مدرنیته	رشد شخصیت ← پختگی	روشنفکر
دختر	دوزخ ← جهنم	رشد فکری ← پختگی	روشنگری
دَر	دوست، دوستی	رفاقت ← دوست	رؤیا
درخت	دوست داشتن چیزی	رفتار	رویداد ← اتفاق
درد	دوست داشتن کسی	رفتن	رهبری
درست	دولت	رفریمسم ← اصلاحات	ریاضت
درماندگی	دویدن	رفیق ← دوست	ریاضیات

ریاضیدان	ساده‌دلی، ساده‌لوحی	سیاست: محافظه‌کاری	شمع
سازمان	سازمان ملل	سیاست: و اخلاق	شناخت چیزها
زیان	سازمان ملل	سیاستمدار	شناخت خود
زبان مادری	سالخوردگی ← پیری	سی‌سالگی	شناختن آدم‌ها
زخم	ساندویچ	سیگار	شنیدن
زرنگی	سانسور	سینما	شوخ طبعی
زشتی	سایه		شوخی
زشتی: انسان	سپاسگزاری	شادی	شور و شوق
زمان	سپهری (سهراب)	شادکامی ← شادی	شوری
زمان حاضر ← مدرنیته	ستایش ← تحسین	شاعر	شوهر کردن ← ازدواج
زمانه ← عصر	ستم ← ظلم	شاعری ← شعر	شهامت ← شجاعت
زمستان	سخن ← گفتن	شاگرد ← معلم	شهر
زمین	سرباز	شانس	شهرت
زن	سرزمین	شاه	شهروند
زن: و سن	سرمایه‌داری	شایعه	شهریار ← شاه
زن: و شوهر	سرنوشت	شب	شهوت
زن: و مرد	سعدی	شبهات	شیرینی ← تلخی
زناشویی ← زن: و شوهر	سفر	شبهه‌های اجتماعی	شیطان
زنداد، زندانی	سفیر	شتاب ← عجله	شیفتگی
زندگی	سقوط (انسان)	شجاعت	صاحب فرزند شدن ←
زندگی: معنای زندگی	سکوت	شخصیت	بچه‌دار شدن
زندگی: و مرگ	سکولاریسم	شر ← بدی	صبح
زندگی روزمره	سگ	شرارت ← بدی	صبر
زندگی زناشویی ← زن و	سلامت ← بیمار	شرافت	صحرا
شوهر	سلامت روانی	شرق	صداقت
زندگی‌نامه	سن	شرم	صراحت
زنده بودن	سنت	شروع ← پایان	صلح
زنده ماندن	سنگ	شعار	صمیمیت
زیبایی	سن و سال ← سن	شعر	صورتیک ← نقاب
زیبایی: انسان	سواد ← تحصیلات	شغل	
زیست‌شناسی	سوسیال‌دموکراسی	شک	ضعیف
	سوسیالیسم	شکار	
ژاپن	سوگواری	شکسپیر (ویلیام)	طبقه کارگر
	سوئد	شکست	طبیعت
سادگی	سیاست	شگفت‌زدگی ← حیرت	طبیعی بودن

قانون	فرار	عقاید ← عقیده	طرد
قبر ← گور	فراموشی	عقل	طعمه
قبراق بودن	فرانسه	عقیده	طعنه
قبرستان	فرانسه: پاریس	عکاسی، عکس	طلاق
قتل ← کشتن	فرانسه: زبان	علاقه	طلب کردن ← خواستن
قتل عام	فرخزاد (فروغ)	علف	طنازی
قحطی	فرد ← جمع	علم	طنز
قداست	فردا	عمر	
قدرت	فردوسی	عمل	ظلم
قدرتمند ← قوی	فردیت	عمل خیر ← خوبی	ظلمت ← تاریکی
قدرشناسی	فرشته	عوض شدن ← تغییر	
قدم زدن ← پیاده روی	فروتنی	عوض کردن ← تغییر	عادت
قدیس	فروده گاه	عهد	عارف
قرارداد	فرهنگ	عیب	عاشق ← عشق
قرن بیستم	فرهنگ مصرفی ← مصرف	عید	عاقل ← عقل
قرن بیست و یکم	فرهنگی	عیسی مسیح ← مسیح	عالی ← بهتر
قرن نوزدهم	فربب		عبادت ← نیایش
قَسَم	فساد	غذا	عجله
قصه	فضای خصوصی / عمومی	غرایز	عدالت
قضاوت دیگران	فضیلت	غرب ← شرق	عذاب وجدان ← وجدان
ققس	فعالیت	غربت	عذرخواهی
قلب	فقر، فقیر	غرور	عرفان
قلم	فکر ← اندیشه	غریبه ← غربت	عروسک
قول	فلسفه	غلط ← درست	عزیزان
قوی	فلسفه: و دین	غم	عشق
قهر	فلسفه: و علم	غیبت (غایب بودن)	عشق: در برابر دوست
قهرمان	فمینیسم	غیبت کردن	داشتن
قهوه	فناوری ← تکنولوژی	غیرممکن	عشق: و ادبیات
	فوتبال		عصبانیت
	فهم، فهمیدن		عصر
	فیلسوف		عصر ما ← مدرنیته
کاتولیک ← مسیحیت	فیلم	فاجعه	عصر مدرن ← مدرنیته
کار	فیلم نامه	فاشیسم	عصیان
کار بزرگ، کار برجسته	قائل ← کشتن	فاصله (بین انسان ها)	عطر
کار خیر ← خوبی	قاعده	فامیل دور	عفو ← بخشش (۱)
کار کوچک ← چیزهای کوچک	قانع کردن	فحش	
		فداکاری	

مدیریت	گوشت‌خواری	کوتاه آمدن	کارگران ← طبقه کارگر
مذاکره	گیاه‌خواری ← گوشت‌خواری	کودک ← بچه	کارگردان (سینما)
مذهب ← دین		کودک درون	کارمند
مرد	لباس	کودکی ← بچه	کارهای کوچک ←
مردان بزرگ ← بزرگی	لبخند	کودن	چیزهای کوچک
مردم	لذت	کوری	کافر
مردن ← مرگ	لغات، لغت ← کلمات	کوشش ← تلاش	کافه
مرز	لومپن	کوه، کوهنوردی	کامل شدن ← کمال
مرگ	لیاقت	کویر	کامیابی ← موفقیت
مرموز ← راز	لیبرالیسم	کهنه	کبی
مروارید	مادر	کپولت ← پیری	کتاب
مرید	مارکس (کارل)	کین تویز ← کینه	کتاب‌خانه
مسیح	مارکسیسم	کینه	کتاب خواندن، کتاب‌خوانی
مسیحیت	ماسک ← نقاب	کینه‌تویز ← کینه	← کتاب
مسئله ← مشکل	ماشین ← اتومبیل	گاو	کتاب‌فروشی
مسئولیت	مالکیت ← داشتن	گاو‌بازی	کتاب مقدس
مشاجره	ماندن	گذا	کرونا ← ویروس کرونا
مشارکت	ماه	گذشته	کسب و کار
مشکل	مبارزه	گذشته آدم‌ها	کشاورزی
مصدق (محمد)	مترجم ← ترجمه	گربه	کشتن
مصرف	مَثَل	گرستگی	کشف
مصیبت ← فاجعه	مجله	گرفتن	کشور
مطالعه ← کتاب	محاکمه	گروه ← جمع	کفش
مطرب	معجت ← مهربانی	گریه	کلام ← گفتن
معاشرت	محرومان	گفتن	کلاه‌بردار
معاصر، معاصر بودن	محیط زیست	گفت‌وشنود ← گفت‌وگو	کلمات
معبد	مخالفت	گفت‌وگو	کلمه ← کلمات
معجزه	مختار ← اختیار	گُل	کله‌شقی
معرفت	مخفیانه	گِله	کلید
معشوق ← عشق	مُد	گناه	کلیسا
معصومیت	مدارا	گندم	کمال
معلم	مدرسه	گور	کمدی ← تراژدی
معا	مدرن ← کهنه	گورستان ← قبرستان	کمک
	مدرنیت، مدرنیسم	گوش ← شنیدن	کمونیسم
			کنجکاوی

معماری	مهربانی	نشانه	نهاد
معنویت	مهم بودن (کسی برای	نصیحت	نیایش
مغز	کسی)	نظامیان	نیرو
مقاومت	مهمل	نظر خود را عوض کردن	نیرومند ← قوی
مقایسه	میان سالی	نظرسنجی	نیکوکاری ← خوبی
مقبره	میانه روی	نظریه	نیکی ← خوبی
مقدس ← قداست	میل ← خواستن	نفت	نیمایوشیخ
مقصد	میهن ← وطن	نفرت	نیهیلیسم ← هیچ انگاری
مکاشفه		نفرین	
مکان عمومی	ناامیدی	نفس	وابستگی
مکزیک	نابالنی ← پخنکی	نقاب	واژه ← کلمات
ملال	نابغه ← نبوغ	نقاد ← منتقد	واقعیت
ملت	ناتوان ← ضعیف	نقادی ← نقد	والدین ← پدر و مادر
ملیت ← ملت	ناخود آگاه	نقاشی	وجدان
ملی گرایی ← ناسیونالیسم	نادانی ← جهل	نقد (ادبیات، هنر)	وجود ← هستی
مملکت ← کشور	نادرست ← اشتباه	نقد (سیاست، جامعه)	وحی
ممنوعیت	نازیسم ← فاشیسم	نقش بازی کردن	وداع ← خدا حافظی
من ← خود	ناسزا ← فحش	نقطه ضعف	ورزش
مناسک ← آیین	ناسیونالیسم	نقل قول	ورشکستگی
منت	ناشر	نگاه ← چشم	وزیر خارجه
منتقد	ناشناخته	نگرانی	وصل، وصال ← جدایی
منطق	ناشنوایی	نگهبان	وطن
منطقی بودن	نافرمانی ← اطاعت	نماد ← نشانه	وطن پرستی ← ناسیونالیسم
منفی	نافرمانی مدنی	نمایش ← تئاتر	وظیفه
مواد مخدر	نام	نمایش نامه ← تئاتر	وعظ ← موعظه
موافقت ← مخالفت	نامزد	تنگ	وفا، وفاداری
موتورسیکلت	نام گذاری ← نام	نو ← کهنه	وقت ← زمان
موجودات فضایی	نان	نوآوری ← خلاقیت	وقت کشی ← اتلاف وقت
مورخ	نبوغ	نوجوانی	وکیل
موسیقی	نتایج	نور	ویروس کرونا
موعظه	شر	نو ستالژی	هالیوود
موفقیت	نزدیک ← دور	نوشتن، نوشته	هجر، هجران ← جدایی
مؤمن ← ایمان	نسل	نومیدی ← ناامیدی	هجو
مهاجرت	نسل کنونی	نویسندگی ← نوشتن	هدایت (صادق)
		نه ← آری	هدف
			هدیه

هرگز	هند	هوش مصنوعی	یادبود
هزل	هنر	هوشمند ← هوش	یادگیری ← آموزش
هستی	هنرمند	هویت	یأس ← ناامیدی
همدردی	هواپیما	هیجان	یتیم
همدلی	هوس	هیچ انگاری	یهودی ها
همسریابی	هوش	هیولا	

فرهنگِ نوینِ گفته‌ها

آبستی

در بطن زن آبستن، در پس چهره خسته و مهربانش، دو میوه در شرف تکوین است: یکی مرگ و دیگری زندگی.
رایتر ماریا ریلکه

آداب و رسوم نیز نک: آیین

آداب و رسوم را، زمان، با همان شکیب و صبر و درنگی که برای ساختن کوه‌ها به کار برده آفریده است. و تنها زمان است که با تلاش روز به روز می‌تواند نابودش کند. با کوهستان نمی‌توان به‌زور سرنیزه درافتاد.
اکتاویو پاز

آدم خوب نیز نک: بدی؛ خوبی؛ فضیلت

فقط آدم‌های خوب به‌خوبی خود شک دارند.

پل اُستر ۲۰۰۸

گاهی در بدترین جاها بهترین آدم‌ها را می‌توان پیدا کرد.

رضا براهنی ۱۳۵۲

زمانی که این دنیا را ترک می‌کنید، کافی نیست که خودتان خوب باشید، بلکه سعی کنید تا دنیای خوبی را ترک کنید.

برتولت برشت

هیچ‌وقت قرص‌هایی که حال آدم را خوب می‌کنند جای خوب‌هایی که دل آدم را قرص می‌کنند نخواهند گرفت.

سیمین بهبهانی

آدم خوبی باش ولی وقت را برای اثباتش به دیگران تلف نکن.

چارلی چاپلین

آدم‌های خوب به‌این‌خاطر وجود دارند که مردم بتوانند برایشان حرف دریاورند.

آنتوان چخوف ۱۸۸۷

اگر بخواهیم درست از هر جهت نگاه کنیم، دیگر خیلی آدم خوب باقی نمی‌ماند.

فئودور داستایفسکی ۱۸۶۶

مردم وقتی می‌خواهند بگویند کسی خروبی عرضه است، می‌گویند چه آدم خوبی است.

آلبا دس‌س‌پدس ۱۹۶۷

از داشتن بوی بد دهن سر پیری می‌ترسم، چون که آدم‌های خوب بهم نمی‌گویند و آدم‌های بد می‌گویند و باور نمی‌کنم.

بهمن شعله‌ور

اتفاقات بد برای آدم‌های خوب هم می‌افتد.

هارولد کاشنر

«وای بر شما اگر همه از شما خوب بگویند!» آه! کسی که این را گفته کلامش زر بوده است.

آلبر کامو ۱۹۵۶

ما همه، هم خوب و هم بد، هم خیر و هم شر هستیم و اگر تو هیچ ناپاکی و پلیدی در خودت نمی‌بینی، دلش آن است که خوب به خودت نگاه نکرده‌ای.

استلی کوپرریک

کار سخت و حیرت‌آور برای آدم این است که بتواند میان مردم باشد و آدم خوبی باشد.

رضا کیانیان ۱۳۸۸

تقسیم آدم‌ها به خوب و بد بی‌معناست؛ آدم‌ها یا دلنشین‌اند یا کسل‌کننده.

اسکار وایلد ۱۸۹۲

با دین یا بی‌دین، آدم‌های خوب کارهای خوب می‌کنند و آدم‌های بد کارهای بد.

استفان واینبرگ

آرامش

عاقبت / همه ما / زیر این خاک / آرام خواهیم گرفت. ما / که روی آن / دمی به هم دیگر / مجال آرامش ندادیم.

آنا آخماتوا

برای زندگی کردن دو چیز نیاز است: یکی آرامش و دیگری دانش.

افلاطون

من خود را از دیگران جدا می‌کنم نه برای آنکه در آرامش زندگی کنم، بلکه تا در آرامش بمیرم.

موریس بلانشو

تنها علت ناخشنودی انسان در آن است که نمی‌داند چگونه در اتاقش آرام بگیرد.

بلز پاسکال

هرگاه رد پای کسی که آرامشم را گرفته بود دنبال کردم، به خودم رسیدم.

آندره ژید ۱۹۳۱

چه آرامش‌بخش است که آدم از خودش بدش بیاید.

ارنستو ساباتو ۱۹۶۱

آرامش خود را به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نکن تا همیشه آن را داشته باشی.

ژوزه ساراماگو ۲۰۰۲

حقیقت مساوی با آرامش است.

ماهانما گاندی

برحذر باش که آرامش و تأملت به آرامش و تأمل سگی در مقابل دکان قصابی همانند نباشد، که از ترس یارا نمی‌کند پیش رود و حرص و آز پای پس رفتن‌اش را نیز بسته است.

فریدریش نیچه ۱۸۷۹

آرزو

آرزوی بیش از حد چیزی را داشتن مانع به وقوع پیوستن آن می‌شود.

پل آستر ۱۹۸۹

بریده از امید، ما در آرزوهایمان زنده‌ایم.

دانه آلیگیری

غم‌انگیزترین چیزها در دنیا همین است که آدم آرزو داشته باشد بازیگر، یا نقاش، یا شاعر درجه اولی بشود و هرچه زور بزند نتواند.

سیمین دانشور ۱۳۴۰

از آرزو کردن هرگز نباید دست کشید.

راینر ماریا ریلکه ۱۹۱۰

مادام که ما خود را به خیل آرزوها و بیم و امید توأم با آن‌ها می‌سپریم، هیچ‌گاه به خوشی یا آرامش پایدار نمی‌رسیم.

آرتور شوپنهاور

سقف آرزوهایت را تا جایی بالا ببر که بتوانی چراغی به آن نصب کنی.

ایمانوئل کانت

اگر از انسان آرزو و خواب گرفته شود، بیچاره‌ترین موجود روی زمین است.

ایمانوئل کانت

هنگامی که آرزوی چیزی را داری، سراسر کیهان همدست می‌شود تا بتوانی این آرزو را تحقق بخشی.

پائولو کوئلیو ۱۹۸۸

آدم وقتی دستش به جایی بند نیست سراغ آرزوها می‌رود، آرزوهایش که محال شد، غرق می‌شود در خاطراتش.

میلان کوندرا

وقتی بچه بودم می‌خواستم خدا بشوم، خدای مسیحیان. حدود پنج‌سالگی فهمیدم که آرزویم تحقق‌ناپذیر است. بنابراین کمی آن را تعدیل کردم و تصمیم گرفتم مسیح بشوم. مصلوب شدن خود را مقابل بشریت در ذهنم می‌دیدم. در هفت‌سالگی فهمیدم که این هم هرگز برایم اتفاق نخواهد افتاد. بعد، با فروتنی بیش‌تر، تصمیم گرفتم شهید بشوم. سال‌ها به این انتخاب پایبند ماندم. آن‌هم درست از آب درنیامد. و بعد؟ در شرکت یومیموتو حسابدار شدم. فکر می‌کنم که نمی‌توانستم بیش‌تر از این تنزل پیدا کنم.

آملی نوئومب ۱۹۹۹

آرزوهای هرکس نتیجه تجربه‌های اوست.

اسحاق نیوتن

از میان تمام سخنان و کلماتی که انسان به زبان می‌آورد، غمگین‌ترین آن‌ها این است: «کاش می‌شد».

کورت وانه‌گات

آرمان، ایدئال، اوتوپیا

مردن در راه هر آرمانی آسان‌تر از زندگی بر اساس آن آرمان است.

آلفرد آدلر

هرکس از آرمانی دفاع کند که به چشم روح زمانه کهنه و زائد می‌آید، خود را در نامطلوب‌ترین موقعیت قرار داده است.

تئودور آدورنو

مواظب باشید که بنده ایدئال‌ها نشوید وگرنه به‌زودی نوکر موعظه‌گران خواهید شد.

برنولت برشت

اوتوپیا وقتی مطرح می‌شود که سیاست به بن‌بست رسیده باشد.

فردریک جیمسون

مسئله این نیست که ما اوتوپیا نداریم بلکه مسئله این است که ما راه‌های به سمت اوتوپیا را نمی‌شناسیم.

پل ریکور

من ایدئال‌ها را رد نمی‌کنم، فقط با دستکش برشان می‌دارم.

فریدریش نیچه، ۱۸۸۸

نقشه‌ای از دنیا که جایی برای اوتوپیا در آن نباشد، ارزش نگاه کردن ندارد.

اسکار وایلد

معنا جای خود را به عملکرد و تأثیر در جهان رویدادها و چیزها سپرده است. دیگر نمی‌توان حقیقت را به‌خودی‌خود آرمان دانست.

ماکس هورکههایمر

انسان همان چیزی است که آرمانی که خود برگزیده از او می‌سازد.

کارل یاسپرس

آری، نه

در زندگی جز شمار محدودی «آری» در اختیار نداریم و پیش

از رها کردن آن‌ها باید با شمار نامحدودی «نه» حفظشان کنیم.

کریستین بوین ۱۹۹۴

نمی‌شود بگویید «آری» بدون اینکه بگویید «آری، آری، آری».

ژاک دریدا

قدرت تو در نه گفتنت است.

واسلاو هاول

آزادی (انسان) نیز نک. ارباب؛ انتخاب

آزادی انتخاب بین سیاه‌وسفید نیست، بلکه اجتناب از این گونه انتخاب‌های تجویز شده است.

تئودور آدورنو

آزادی شناخت سرنوشت است.

باروخ اسپینوزا

آزادی اراده تصمیم است.

آیزابا برلین

آزادی حقیقی متضمن خودخواهی نیست، بلکه مستلزم ارتباط معنوی با دیگران است و منظور از این ارتباط، آزادی باز و پویاست.

مارتین بوبر

آزادی در توقف شبحی مه‌آلود است که در پالتویی خیالی در فضا جولان می‌دهد.

لوئیس بونوئل

اسیری که در رؤیا از آزادی موهوم لذت می‌برد، وقتی به فکر می‌افتد که آزادی وی رؤیایی بیش نیست، از بیدار شدن بیمناک می‌شود و با همین اوهام دلپذیر هم‌داستان می‌شود تا این فریفتگی باز هم ادامه یابد.

رنه دکارت ۱۶۴۱

واژه آزادی معنایی ندارد.

دنی دیدرو

دو ویژگی آزادی: وابستگی به دانش و شناخت، و پویایی.

جان دیویی

بردگان از آزادی می‌ترسند، چون حقارتی را که به آن خورده‌اند از آن‌ها می‌گیرد.

برتراند راسل

هرکس تنهایی را دوست ندارد، آزادی را نیز دوست ندارد، چون ما فقط در تنهایی آزاد هستیم.	آزادی گسست از خود است.
آرتور شوپنهاور	ژان پل سارتر
انسان از آزادی مطلق وحشت دارد.	انسان محکوم به آزادی است.
اریش فروم	ژان پل سارتر
آزادی ارزش فردی نیست بلکه ارزش اجتماعی است. برای رابینسون کروزوی تنها در جزیره آزادی معنایی ندارد.	آزادی به هیچ وجه محدود نیست.
میلتون فریدمن	ژان پل سارتر
شاید آزادی انسان در فناپذیری اش باشد.	جهان آینه آزادی انسان است.
فرانتس کافکا	ژان پل سارتر
آزادی مطلق به این معناست که محدوده علائق را دقیقاً مشخص کنیم.	انسان آزاد است چون کنش دارد.
فرانتس کافکا	ژان پل سارتر
با آزادی، انسان ها در غالب موارد خود را فریب می دهند. و به همان اندازه که آزادی از جمله والاترین احساس هاست، به همان اندازه نیز سرخوردگی اش از والاترین سرخوردگی هاست.	انسان در راه آزادی خود را می آفریند.
فرانتس کافکا ۱۹۱۷	ژان پل سارتر
آزادی چیزی نیست به جز فرصتی برای بهتر بودن.	آزادی نیست شدن مداوم و پیوسته است.
آلبر کامو	ژان پل سارتر
آزادی یعنی: زندگی ما متعلق به دیگران است ولی مرگ ما مال خودمان است.	تنها و آزادم، و این آزادی به مرگ می ماند.
آلبر کامو	ژان پل سارتر ۱۹۳۸
آزادی امید به آینده نیست. حال است و توافق با موجودات جهان در حال حاضر.	چیزی که انسان را آزاد می کند انتخاب و کنش است.
آلبر کامو	ژان پل سارتر
اگر کفشت پاتو می زد و از ترس قضاوت مردم پابرنه نشدی و درد رو به پات تحمیل کردی دیگه در مورد آزادی شعار نده.	اسرار دردناک خدایان و پادشاهان این است که انسان آزاد است ولی آن ها این را نمی دانند.
آلبر کامو	ژان پل سارتر ۱۹۴۳
آزادی کنشی است در جهت مخالف نیروهای طبیعی انسان.	آزادی ارزشی است که در کنش انسان تعیین می شود. این آزادی وضع یا موقعیت انسان در جهان است.
ایمانوئل کانت	ژان پل سارتر
آزادی باید همچون خصیصه اراده همه آفریدگان خردمند پیش گزارده شود.	آزادی به پرتو نوره که حتی قبل از اینکه بتونی بگی «پرتو نور» رفته، یک لحظه، تا حسش کنی دیگه رفته و شده جزء گذشته. ناآزادی تازه ای شروع شده.
ایمانوئل کانت	سوزان سانتاگ ۱۹۹۷
آزادی همان بی تعهدی نیست. آزادی توانایی انتخاب و تعهد به آن انتخاب است.	هیچ کس هرگز کاملاً آزاد نیست. آزادی بشر درست چند ساعت بعد از تولد از او سلب می شود. از همان لحظه ای که برای ما اسمی می گذارند و ما را به خانواده ای نسبت می دهند دیگر فرار غیر ممکن می شود. قادر نیستیم زنجیر را پاره کنیم و آزاد باشیم. ساختمان بزرگ اداره ثبت اسناد زندان ماست. همه ما لایه لای اوراق آن کتاب ها له شده ایم.
پائولو کوئیلو ۲۰۰۵	آلبا د سس پدس ۱۹۴۹

مهم‌ترین نوع آزادی شامل توجه، هوشیاری، انضباط، تلاش، و توانایی توجه حقیقی به دیگران است.

دیوید فاستر والاس ۲۰۰۵

آزادی واژه‌ای است پُرآوازه که چیز کمی برای گفتن دارد.

پل والری

ما برای این ساخته شده‌ایم که از عدم آزادی خود غافل باشیم.

پل والری

آزادی در درجه اول آزادی از اجبار دیگران است.

فریدریش فون هایک

آزادی صرفاً ارزش نیست، بلکه منبع اخلاقی‌ترین ارزش‌هاست.

فریدریش فون هایک

آزادی درک ضرورت و واقعیت است.

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

آزادی پیچیده‌ترین مسئله علمی، فلسفی و دینی است.

فرهنگ هلاکووی

ما فقط بدان درجه آزاد می‌شویم که دیگری نیز آزاد شود.

کارل یاسپرس

آزادی (سیاست) نیز یک انتخاب است؛ دموکراسی؛ دیکتاتوری؛ قانون

علت وجودی سیاست، آزادی است.

هانا آرنست

آزادی سیاسی باعث می‌شود که انسان‌ها لیاقت لازم را برای حفظ آن کسب کنند و به شهروند مبدل گردند.

ریمون آرون

آزادی اجازه دوست داشتن است.

صدرالدین الهی ۱۳۷۰

آزادی حق گفتن آن چیزی است که مردم نمی‌خواهند بشنوند.

جورج اورول

آزادی حق ابراز این حقیقت است که دو به علاوه دو، چهار می‌شود. وقتی این حق به دست آمد، تمام حقوق دیگر به دنبال آن تحصیل خواهد شد.

جورج اورول

آزادی نه گرفتاری است، نه دادنی، بلکه یادگرفتاری است.

مهدی بازرگان

این که دنیا آزاد نیست به این اندازه که انسان‌ها آزادیشان را فراموش کرده‌اند دردناک نیست.

میلان کوندرا ۱۹۶۹

آزادی درونی آزادی جهانی است.

کریستف کیشلوفسکی

آزادی یک نفر کافی نیست برای آنکه واقعاً احساس آزادی کنی.

کریستف کیشلوفسکی

مردم خواهان آزادی بیان هستند تا فقدان آزادی فکر را جبران کنند.

سورن کی‌یرکگارد

همیشه آزادی است که آخرین تیر را در ترکش دارد.

رومن گاری ۱۹۴۵

آزادی داشتن ارزشی ندارد اگر آزادی اشتباه کردن نیز جزئی از آن نباشد.

ماهاتما گاندی

تنها آزادی‌ای که داریم از کف می‌دهیم، آزادی انتخاب آزادی‌هایمان است.

مارک لیلا ۲۰۱۴

آزادی تلاش خردمندانه آدمی در جست‌وجوی علت حادثه‌هاست.

هربرت مارکوزه

دستیابی به هرگونه آزادی، نخست، مستلزم آگاهی از انواع بردگی است.

هربرت مارکوزه

آزاد بودن به معنای خلاصی از زنجیر نیست، بلکه شیوه‌ای است از زندگی که به آزادی دیگران احترام می‌گذارد و آن را استحکام می‌بخشد.

نلسون ماندلا

آزادی واقعی توانایی مهار خویش است.

میشل دو مونتینی

انسان‌ها برای این آزاد آفریده شده‌اند که مورد اتهام قرار گیرند.

فریدریش نیچه ۱۸۸۸

آزادی چیست؟ اراده برای به دست گرفتن مسئولیت رفتار خویش.

فریدریش نیچه ۱۸۸۹

فقط فرد مسئول است که می تواند معنی آزادی را بفهمد.

م. ف. فرزانه ۱۳۵۹

آزادی و مسئولیت پذیری دو روی یک سکه اند.

اریش فروم

آزادی زمانی متولد می شود که قدرت سیاسی از اقتصادی جدا شود.

میلتون فریدمن

انسان به مقداری جنون هم نیاز دارد، وگرنه هرگز برای پاره کردن بندهایش جهت کسب آزادی خطر نمی کند.

نیکوس کازانتزاکیس

آزادی تنها ارزش جاودانه تاریخ است.

آلبر کامو

کسی که غم آزادی و استقلال دارد باید امید داشته باشد.

آلبر کامو

تنها راه مقابله با دنیای غیر آزاد این است که آن قدر آزاد شویم که حتی زندگی ساده مان هم به عملی سرکشانه تبدیل شود.

آلبر کامو

آزادی هدفی مستقل است و ممکن است با سعادت در تعارض باشد.

بندو کروچه

در جامعه ای که مردم از نعمت آزادی محروم هستند، عشق فرصتی برای تجربه کردن آزادی است.

میلان کوندرا ۱۹۸۶

فقدان آزادی نوعی سکوت می آورد که به قیمت تمامی شجاعت اخلاقی آدمی است.

جرالد کوهن

عدم آزادی موجب از دست رفتن متفکران مبتکر و دلیری می شود که از بیم متهم شدن به بدعت گذاری و یا از ترس، رشد فکریشان متوقف و خردشان ترسان می شود.

جرالد کوهن

گرفتن آزادی از مردمی که نمی خواهند برده باشند خیلی سخت است، اما دادن آزادی به مردمی که می خواهند برده باشند خیلی سخت تر است.

مارتین لوتر کینگ

دموکرات واقعی کسی است که با ابزارهایی کاملاً غیرخوشونت آمیز از آزادی خود دفاع کند.

ماهاتما گاندی

شکی نیست که آزادی مستلزم مسئولیت است و بسیاری از مردم از خدا می خواهند که بتوانند از زیر هر دو شانه خالی کنند.

آیزایا برلین

اگر فقط یک حقیقت واحد کلی وجود داشته باشد، آزادی هیچ توجیهی ندارد.

آلبر کامو

کسی که آزادی را وسیله می شمارد برای بندگی خلق شده است.

الکسی دو توکویل

هوشیاری همیشگی بهایی است که برای آزادی باید پرداخت.

توماس جفرسون

من آزادی بخش نیستم. آزادی بخش وجود ندارد، بلکه این مردم هستند که باید خود را آزاد کنند.

ارنستو چه گوارا

آزادی بیش از همه از دست کسانی ضربه می خورد که برای نیل بدان کوتاه ترین راه را انتخاب می کنند.

ارنستو چه گوارا

در جامعه ای که قامت تفکر و همت مردم کوتاه باشد، سقف آزادی هم به همان نسبت کوتاه می شود.

فتودور داستایفسکی

آزادی شبی است که تا آن را لمس نکنی نمی توانی باورش کنی، چه ساده و چه قدر دشوار.

محمود دولت آبادی ۱۳۶۲

آزادی اگر با آگاهی همراه نباشد به ضد خود تبدیل می گردد.

مصطفی رحیمی ۱۳۵۷

می توان آزادی را به دست آورد، اما اگر از دستش دادید، دیگر هرگز به دست نمی آید.

ژان ژاک روسو

ما فرانسوی ها هرگز به اندازه دوران اشغال آلمانی ها آزاد نبوده ایم.

ژان پل سارتر

در میان آزادی هایی که بشر برای ارتقاء زندگی خود جست و جو می کند، آزادی از ترس تنها آزادی ای است که همه اهداف دیگر را برآورده می کند.

آنگ سان سوچی

آزادی امکان تردید و شک کردن، امکان اشتباه کردن، امکان جست و جو و تجربه کردن است.

اینیاسیو سیلونه

شرقیان تنها می‌دانستند که یک تن آزاد است، و سپس یونانیان و رومیان پی بردند که برخی از آدمی‌زادگان آزادند و سرانجام ما می‌دانیم که همه آزادند.

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

به‌ندرت پیش می‌آید که آزادی، از هر نوعی باشد، به یک‌باره از دست برود.

دیوید هیوم

آزادی: و عدالت نیز نک. برابری؛ عدالت

آزادی آزادی است، آزادی برابری نیست.

آیزایا برلین

بدون آزادی، نه به عدالت می‌رسیم و نه به امنیت.

کارل پوپر

آزادی مهم‌تر از مساوات است. تلاش برای تحقق مساوات آزادی را به خطر می‌اندازد و اگر آزادی از دست برود در میان افراد غیرآزاد مساوات برقرار نخواهد بود.

کارل پوپر ۱۹۹۱

اگر مرا به انتخاب بین عدالت و آزادی مخیر کنند، من آزادی را انتخاب می‌کنم. چراکه در جامعه آزاد غیرعادلانه، من آزادی دفاع از عدالت را دارم، ولی در جامعه‌ای که، به نام عدالت، آزادی مرا گرفته‌اند، اگر عدالت محقق نشود آزادی اعتراض را هم ندارم.

کارل پوپر ۱۹۴۵

دموکراسی فاقد عدالت است.

جان رالز

انسان‌ها با ظرفیت‌های گوناگون به دنیا می‌آیند. اگر آن‌ها آزاد باشند، برابر نیستند و اگر برابر باشند، آزاد نیستند.

آلکساندر سولژنیسین

جامعه‌ای که برابری را هدفی والاتر از آزادی می‌گیرد، نه به برابری دست خواهد یافت و نه به آزادی.

میلتون فریدمن

اگر بین آزادی و بی‌عدالتی مجبور به انتخاب باشیم، آزادی را انتخاب خواهیم کرد تا بتوانم به بی‌عدالتی اعتراض کنم.

آلبر کامو

آزادی یعنی آزادی دگراندیشان.

رزا لوکزامبورگ

آزادی از جمله تجمعاتی است که هرکسی توان کسب آن را ندارد.

کارل مارکس

اگر ملتی چیزی را بر آزادی ترجیح دهد، همه‌چیز را از دست خواهد داد.

ویلیام سامرست موام

رسیدن به آزادی، تنها با آزادی از باورهای گذشته امکان‌پذیر است.

جان استوارت میل

در دسر چیزی است که جامعه می‌تواند به‌خاطر منفعت بزرگ‌تری به نام آزادی فردی آن را تحمل کند.

جان استوارت میل

آزادی حق نه گفتن و نه شنیدن است.

ناشناس

مواظبت و مراقبت همیشگی قیمتی است که باید برای آزادی پرداخت.

ناشناس

آزادی تمرین انسانیت است.

هما ناطق

مردم آزادی را تنها زمانی طلب می‌کنند که هیچ قدرتی ندارند.

فریدریش نیچه

وقتی آزادی دستی آغشته به خون دارد، دست دادن با آن مشکل است.

اسکار وایلد

آزادی مسئولیت به بار می‌آورد.

فریدریش فون هایک

اگر ابزار چاپ در اختیار دولت باشد، آزادی مطبوعات نیست؛ اگر محل‌های اجتماع از آن دولت باشد، آزادی گردهمایی نیست؛ اگر وسایل نقلیه در انحصار دولت باشد آزادی جابه‌جایی نیست.

فریدریش فون هایک

هرچه تاریخ پیش می‌رود، مردمان به آزادی خویش آگاه‌تر می‌شوند.

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

آدمیان خوش دارند قدرت خود را به آسمان ببخشند و سپس از آسمان در یوزگی کنند.

مصطفی رحیمی ۱۳۵۴

بشر به آسمان احترام می‌گذارد چون هنوز به آن دست نیافته.

فریدریش شیلر

سیناهی کلاغ‌ها تأثیری در آبی آسمان ندارد.

فرانتس کافکا

انسان با دیدن شکوه آسمان و هستی دچار خوف و وحشتی می‌شود که او را به استعلاء می‌رساند.

مارتین هایدگر

آشپزی نیز نک. غذا

از آشپزی خوشم می‌آید، از مشاهده تغییر شکل غذا لذت می‌برم. رنگ‌به‌رنگ شدن، غلیظ شدن، بلورین شدن.

رولان بارت

آشپزخانه مقدس‌ترین نقطه جهان است.

ناشناس

اگر می‌خواهید خوانندگان شما و شجاعتان را تحسین کنند و قوم و خویش‌ها بهتان فحش بدهند، خاطره بنویسید و اگر می‌خواهید محبوب همه، پدر و مادر و اقوام و خوانندگان باشید، کتاب آشپزی را امتحان کنید.

ناشناس

آشنایی

آشنایی چیست؟ تلاشی در جهت نفی تنهایی.

م. ا. به‌آذین ۱۳۴۹

دارم تلاش می‌کنم با آن چه همیشه می‌کنم، ناآشنا شوم. تازگی در ناآشنایی است.

سوزان سانتاگ

هیچ رازی همانند راز آشنایی غمناک نیست.

سهراب سپهری ۱۳۳۸

همین قدر کافی است تا بعضی‌ها سر آشنایی را باز کنند و آن وقت درگیر شده‌اید.

ایتالو کالوینو

آزادی مطلق عدالت را مضحکه جلوه می‌دهد. عدالت مطلق هم آزادی را انکار می‌کند. این دو مفهوم می‌بایست یکدیگر را محدود کنند.

آلبر کامو ۱۹۵۱

آزادی هم‌زمان با عدالت انتخاب می‌شود و حقیقت این است که نمی‌توانیم یکی را بدون دیگری انتخاب کنیم. اگر کسی نان شما را ببرد، آزادی شما را نیز گرفته است. اما اگر آزادی شما را بگیرد، یقین داشته باشید که ناآنان نیز در خطر است، زیرا از آن پس ناآنان وابسته به هوس و دلخواه ارباب خواهد بود، نه به تلاش خودتان. جایی که آزادی عقب بنشیند، فقر نیز افزایش پیدا می‌کند، و برعکس.

آلبر کامو

مادامی که فقر وجود دارد، آزادی واقعی را نخواهیم دهیم.

نلسون ماندلا

آزار

همیشه توان این را داشته باش تا از کسی یا چیزی که آزارت می‌دهد به‌راحتی دل بکنی.

خورخه لوئیس بورخس

از آن‌جا که دیگران نمی‌توانند از همان دیدگاه خود آدم به مسائل نگاه کنند، نمی‌فهمند آن‌چه سرسری می‌گویند تا چه حدی می‌تواند آدم را بی‌آزارد.

مارسل پروست

ساده‌ترین درس زندگی این است: هرگز کسی را آزار نده.

ژان ژاک روسو

همیشه کسانی که دوستشان داریم از بیش‌ترین قدرت برای آزار دادن ما برخوردارند.

آندره ژید

افراد به اندازه کمبودهایشان دیگران را آزار می‌دهند.

ژان پل سارتر

آسمان

آسمان خالی نیست.

آندری تارکوفسکی

هنگامی که از آسمان مانده آسمانی می‌بارد، عده‌ای چتر بر سر می‌گیرند و عده‌ای به دنبال قاشق بزرگ‌تر می‌گردند.

پتر دراگر

آغوش

همیشه کسانی هستند که در نهایت دلتنگی نمی‌توانیم آن‌ها را در آغوش بگیریم. بدترین اتفاق شاید همین باشد.

ایلهان برک

خودم را در آغوش گرفته‌ام، نه‌چندان با لطافت، نه‌چندان با محبت، اما وفادارانه.

ساموئل بکت

عشق حسرت در آغوش گرفتن کسی، حسرت یک‌جا بودن با اوست. آرزوی در آغوش گرفتن او فراموش کردن همه دنیاست.

اورهان پاموک ۱۹۹۴

وقتی دو تن یکدیگر را در آغوش می‌کشند، زمان متوقف می‌شود.

ناظم حکمت

در آغوش گرفتن یعنی از حضور تو احساس تهدید نمی‌کنم. نمی‌ترسم از اینکه این قدر نزدیک باشم. می‌توانم آرام بگیرم، طوری که انگار در خانه خودم، احساس امنیت می‌کنم. می‌گویند هر بار کسی را گرم در آغوش می‌گیریم یک روز به عمرمان اضافه می‌شود.

پائولو کونلیو

مسعود وقت خواب متکای اضافه بغل می‌کرد. عزیز همیشه پایش را بغل می‌کرد. بغل‌ها توی خانه ما تنگ بود و به آغوش تبدیل نمی‌شد.

فریبا وفی ۱۳۸۶

آفرینندگی

یگانه شیوه دریافت آفرینش از نو آفریدن آن است. و شاید هم خود را با آن آفریدن.

روبرتو خوارز

انسانی که قادر به آفرینندگی نیست، طالب نابود کردن است.

ادیش فروم

آفرینندگی فقط هنگامی معنا پیدا می‌کند که در خطر و با خطر شکل گیرد.

آلبر کامو ۱۹۵۷

آفریدن: این است نجات بزرگ از رنج و مایه آسایش زندگی. اما رنج و دگرگونی بسیار باید تا آفریننده‌ای در میان آید.

فریدریش نیچه ۱۸۸۵

آگاه شدن، آگاهی نیز نک. جهل؛ دانستن

آگاهی یعنی خاطره.

هائری برگسون

نادانی وطن است و آگاهی تبعیدگاه.

امیل سیوران

آگاه شدن بزرگ‌ترین خطر قرن است.

میلان کوندرا

در جهانی که در آن همه چیز نقل می‌شود، نزدیک‌ترین وسیله در دسترس، اسلحه است و مرگ‌آفرین‌ترین حادثه آگاه شدن.

میلان کوندرا ۱۹۹۵

آگاهی همیشه آگاهی از چیزی است.

ادموند هوسرل

هیچ آگاه شدنی بدون درد نیست.

کارل گوستاو یونگ

آلمان

آلمان برای اروپا بیش از حد بزرگ است و برای دنیا بیش از اندازه کوچک.

هنری کیسینجر

آمار

آمارها ایده‌های خوبی می‌دهند اما نکات اصلی را پنهان می‌سازند.

ابه اسکودال

اگر اعداد را به اندازه کافی شکنجه کنیم، به هر چیزی که بخواهیم اعتراف خواهند کرد.

استیو ایستربروک

آمریکا نیز نک. اروپا

آمریکا توطئه‌ای است بزرگ برای خوشبخت کردن شما.

جان آبدایک

قانون اساسی آمریکا اتوریته خود را از پدران بنیان‌گذار می‌گیرد.

هانا آرنت

سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بر مبنای هراس از انقلاب است.

هانا آرنت

آمریکا دولت - ملت نیست. این کشور نه با میراث گذشتگان متحد شده است، نه با حافظه جمعی، نه با خاک میهن، نه با زبان، نه با تبار و خاستگاه مشترک. در این جا هیچ کس بومی نیست. بومی ها همان سرخ پوست ها بودند. هرکس دیگر یک شهروند است و این شهروندان را فقط یک چیز متحد می کند: شما با پذیرش صرف قانون اساسی آمریکا شهروند ایالات متحده می شوید.

هانا آرنت ۱۹۷۳

کافکا می گفت: من آمریکایی ها را دوست دارم چون خوش بینه و خوش بین اند.

ریچارد براتیگان ۱۹۶۷

هیچ گاه در آمریکا شاعران را دوست نداشته اند. چون به حداکثر تخیل نیاز داریم، به جایش حقه های سینمایی تحویلیمان می دهند.

سال بلو ۱۹۸۲

آمریکا به شعرای مرده اش افتخار می کند و سخت خرسند است که این شعرا گواهی می دهند که آمریکا بیش از حد خشن، بیش از حد بزرگ، و بیش از حد سرسخت است.

سال بلو ۱۹۸۹

آمریکا نسخه اصلی مدرنیته است.

ژان بودریار

آمریکا دشمنانش را با هواپیما بمباران می کند و بقیه دنیا را با هالیوود.

ژان بودریار ۱۹۸۶

این تصور صحت ندارد که سینما تحت سیطره آمریکاست، بلکه خود آمریکا صحنه ای سینمایی است.

ژان بودریار ۱۹۸۶

آمریکا فاقد گذشته است؛ ریشه ای ندارد، مگر در آینده و لذا چیزی نیست مگر خیال هایی که در سر می پروارند.

ژان بودریار ۱۹۹۰

تو آمریکا اگه پول خرج نکنی بالاخره به جور ازت می گیرن.

چارلز بوکوفسکی ۱۹۸۹

مارکسیسم می آموزد که همه چیز در ثروتمندترین کشور جهان -

ایالات متحده آمریکا - رو به وخامت گذاشته است. این گونه است که ضدیت با آمریکا در کشورهای دیگر، به ویژه در کشورهای که چندان ثروتمند نیستند، سربلند می کند.

کارل پوپر

تنها راه اداره آمریکا دموکراسی بود.

الکسی دو توکویل

روزنامه نگاران آمریکایی خوب نمی نویسند اما چیزی که می نویسند حرف دل آمریکایی هاست.

الکسی دو توکویل

در شهرهای آمریکا امکان ندارد مانع شوی از جمع شدن شهروندان دور هم، یا احساساتی شدن آن ها و بروز ناگهانی این شور و احساس و تبدیل آن به عامل همبستگی عمومی.

الکسی دو توکویل

تمام مردم آمریکا به نظر فروید هول و دستپاچه و بی ادب آمده بودند.

ای. ال. دکتروف ۱۹۷۵

وجه تمایز آمریکایی ها عملگرا بودنشان است.

ژیل دلوز

غناي امکانات آمریکایی که در آن زندگی هماهنگ با تاریخ گام برمی دارد.

دان دیلو

آمریکایی ها چون تاریخ ندارند، نگاه شان دائماً رو به آینده است.

داریوش شایگان ۱۳۹۵

آمریکایی ها به دوربین عکاسی و اتومبیلشان خیلی بیش تر توجه می کنند تا همسرانشان.

اریش فروم

آمریکا اشتباه است، اشتباه بزرگی است.

زیگموند فروید منسوب

آمریکا نان امنیت و ثبات اقتصادش را می خورد.

میلتون فریدمن

سینمای آمریکا کارخانه است.

فدریکو فلینی

آنچه آمریکا در آن بهترین است درک از خود است و آن چه در آن بدترین، درک دیگران.

کارلوس فوتتس

رئیس جمهور بودن مانند مدیریت قبرستان است. شما افراد زیادی زیر دست خود دارید که هیچ یک گوش نمی دهند.

بیل کلینتون

روزی دو برادر بودند، یکی سر به دریا گذاشت و دیگری معاون رئیس جمهوری آمریکا شد و از هیچ یک دیگر هیچ کس چیزی نشنید.

تامس مارشال معاون رودرو ولسون در ۱۹۱۳-۱۹۲۱

رئیس جمهور آمریکا پادشاه نیست، اما پادشاهی می کند.

هنری مین

آمریکای جنوبی

به جز دیکتاتورها، یکی از عوامل عقب افتادگی آمریکای جنوبی روشنفکران آن هستند. همه شان چپ زده اند.

ماريو بارگاس یوسا

آمریکای جنوبی ها، در گذشته، بیش از آنکه به فکر فوتبال باشند با چاقو به جان هم دیگر می افتادند.

خورخه لوئیس بورخس

مکاشفه هویت واکنش اخلاقی آمریکای لاتین همیشه شکست خورده از آمریکای شمالی همیشه پیروز است.

کارلوس فوتتس

آموزش، آموختن نیز نک. تحصیل؛ پدر و مادر؛ تربیت بچه؛ تعلیم و تربیت؛ دانشگاه؛ مدرسه؛ معلم

نخستین ضرورت هر نوع آموزشی این است که آشنویتس تکرار نشود.

تئودور آدورنو

مثال زدن یکی از راه های آموزش نیست، بلکه تنها راه آموزش دادن است.

آلبرت اینشتین

من افراد را به ضعیف و قوی یا موفق و ناکام تقسیم نمی کنم. من آن ها را به یادگیرنده و ناتوان در یادگیری تقسیم بندی می کنم.

بنیامین باربر جامعه شناس

هر آموزشی لذت کشفی را از تو خواهد گرفت.

ژان پیاژه

بیش تر آموخته های ما حاصل تعامل با دیگران است.

ژان پیاژه

سیاست های آمریکا متناقض و بین واقع بینی روزولت و آرمان گرایی ولسون در نوسان است.

هنری کیسینجر ۲۰۱۴

آمریکا سرزمین غریبی است؛ نه دوستانش این کشور را می شناسند و نه دشمنانش.

والتر لیبمن

آمریکا خوب می جنگد و بد صلح می کند.

آندره مالرو ۱۹۶۷

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در حد بازی مرگ و زندگی دنبال می شود. هیچ جای دنیا انتخابات همچون آمریکا شکل سیاست به مثابه جنگ را پیدا نمی کند. خشم و کینه ای که در آن زمینه ابراز می یابد، بی مانند است.

محمد رفیع محمودیان ۱۳۹۵

در آمریکا پول همه چیز نیست بلکه تنها چیز است.

ریچارد نیکسون

شما برای پیروزی در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه باید بدانید که چگونه به سمت راست گرایش پیدا کنید و برای پیروزی در انتخابات نهایی باید بلد باشید که به سمت چپ گردش کنید.

ریچارد نیکسون

آمریکا تنها ابرقدرتی است که حتی هیچ زحمتی برای ابرقدرت شدنش نکشیده.

پل والری

آمریکا: ریاست جمهوری

معاون رئیس جمهوری: ناقابل ترین شغلی که تاکنون بشر اختراع کرده یا به مغزش خطور کرده، نه می توانم کار خیر انجام دهم و نه شر.

جان آدامز ۱۷۹۳؛ آدامز اولین معاون رئیس جمهوری

ریاست جمهوری در آمریکا مانند بیرسواری در کاخ سفید است؛ یا شما سوار ببر می شوید یا ببر شما را می خورد.

هری ترومن رئیس جمهور آمریکا در سال های ۱۹۴۰-۱۹۵۰

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری: مردم احساس اطمینان نسبت به کسی که قدرت را در دست می گیرد دارند، حتی اگر به خوبی او را نشناسند.

جولیان زلیبر ۲۰۱۸

آواره

آوارگان همیشه نماد این اند که چه فاصله کمی بین تمدن و بربریت وجود دارد.

هانا آرنت

ما یا زانریم یا آواره.

گابریل مارسل

آینده نیز نک. امروز؛ گذشته

آینده خال را می بلعد.

هانا آرنت

اکنون این آینده است که از تعقیب ما دست برنمی دارد.

لویس اردریش ۲۰۱۷

همیشه باید امیدوار به آینده راز آلود بود.

دالایی لاما

آینده های دست نیافته تنها شاخه هایی از گذشته هستند، شاخه های مرده.

ایتالو کالوینو

آینده هم اکنون فرارسیده است. فقط هنوز به طور گسترده توزیع نشده است.

ویلیام گیسون

یکی از جالب ترین خصایص سرشت بشری حسادت نورزیدن زمان حال نسبت به آینده است.

لوتر

این همه حرف از گذشته نمی گذارد آینده شروع شود.

جواد مجابی ۱۳۶۹

این نعمتی است بزرگ که نسبت به آینده جاهلیم.

منوچهر مطیعی ۱۳۶۳

آینده تو همان است که به آن می اندیشی.

کارن هورنای

تنها راه پیش بینی آینده داشتن قدرت شکل دادن به آن است.

اریک هوفر

آینه

آینه ها را / برای جوانی زن ها و پیری مردها ساخته اند.

سبس بودینگ

هدف اصلی آموزش باید تربیت مردان و زنانی باشد که قادر به انجام کارهای جدیدند، نه تکرارکننده کارهای نسل های قبل. مردان و زنانی که آفرینش گر، مخترع، و کاشفند، و به جای آنکه هر چیزی را که به آن ها عرضه می شود بپذیرند، بتوانند آن ها را نقد و بررسی کنند.

ژان پیازه

هرکسی که از خود پارسالی اش شرمگین نیست، احتمالاً به اندازه کافی نمی آموزد.

آلن دوباتن

آموزش تجربه مشترک میان انسان هاست.

جان دیویی

آموزش رسمی زندگی شما را می سازد ولی خودآموزی بخت و اقبالتان را.

جیم ران

هدف از آموزش بیدار کردن استقلال فکری است.

یوهان گوتلیپ فیشته

به فرزندان خود تنها خواندن را آموزش ندهید، به آنان یاد بدهید تا در مورد آن چه می خوانند سؤال کنند.

جورج کارلین

اگر می خواهید بدانید کشوری توسعه می یابد یا نه، سراغ صنایع و کارخانه های آن کشور نروید. این ها را به راحتی می توان خرید یا دزدید یا کپی کرد. برای این که بتوانید آینده کشوری را پیش بینی کنید، بروید در دبستان ها، ببینید آن جا چگونه بچه ها را آموزش می دهند. مهم نیست چه چیزی آموزش می دهند، ببینید چگونه آموزش می دهند. اگر کودکان شان را پرستگر، خلاق، صبور، نظم پذیر، خطرپذیر، اهل گفت و گو و تعامل و برخوردار از روحیه مشارکت جمعی و همکاری گروهی تربیت می کنند، مطمئن باشید که آن کشور در چند قدمی توسعه پایدار و گسترده است.

داگلاس سیسیل نورث

اگر حرف زدن را به انسان ها درس می دادیم، هرگز زبان باز نمی کردند.

جان هالت

آموزش پُر کردن سطل نیست، افروختن شعله است.

ویلیام باتلر ییتس

به آینه زل می‌زنی، و خود را می‌پذیری. یا نمی‌پذیری و خودت را می‌کشی. راه سوم هم این است که دیگر سراغ آینه نروی.
تسی ویلیامز

آیین، مناسک نیز نک. آداب و رسوم

شیخون پلنگ‌ها به معبد برای نوشیدن جام مقدس نیز چون تکرار شود به آیین تبدیل می‌گردد.

فرانتس کافکا

آیین در اصل مبین چیزی است که بر وفق نظم انجام می‌گیرد.
ر. گتون

مناسک از یک‌سو می‌توانند عامل سرکوب و ابزار رام کردن تن‌ها شوند، مانند صف دست‌بوسی از حاکمی جائز و یا مناسکی رهایی‌بخش باشند، مانند سنت — عموماً آیینی — سنگ زدن فلسطینی‌ها با تیرکمان به اشغال‌گران.

یاسر میردامادی ۱۳۹۹

همه آینه‌های روی زمین را دیدم و هیچ کدام مرا نشان نمی‌داد.

خورخه لویس بورخس

یک‌باره پیر شدم، توی آینه نگاه کردم، آینه هم پیر شده بود.

سهراب شهید ثالث

هر روز در آینه مرگ را مشغول کار می‌بینم.

ژان کوکتو

فقط زندگی در جهانی را تصور کن که در آن آینه نباشد. تو درباره صورت خیالبافی می‌کنی و تصور این است که صورت بازتاب آن چیزی است که در درون توست. و بعد وقتی چهل ساله شدی، کسی برای اولین بار آینه‌ای در برابرت می‌گیرد. وحشت خودت را مجسم کن! تو صورت یک بیگانه را خواهی دید و بهروشنی به چیزی پی خواهی برد که قادر به پذیرفتنش نیستی: صورت تو خود تو نیست.

میلان کوندرا ۱۹۸۸

آینه‌ای دردار خرید. گفت: آدم وقتی هر دو لنگه‌اش را می‌بندد، دلش خوش است که تصویرش در پشت این درها ثابت می‌ماند.

هوشنگ گلشیری ۱۳۷۰